

گاهنامه سیاسی بصائر بسیج

۴

درس‌هایی از جنگ احزاب

«مقایسه تطبیقی جنگ احزاب با شرایط امروز انقلاب اسلامی»

شهریور ماه ۱۳۹۵

اشاره:

تاریخ اسلام در ابعاد نظری و عملی درسی تعیین کننده است که شناخت آن از لوازم شناخت تعالیم بوده که قرآن سند زنده و دلیل گویای آن است. تردیدی نیست که می توان بینش تاریخی و ارزش آن و ضوابط و قانونمندی حاکم بر تاریخ را بطور عمیق در قرآن به دست آورد؛ زیرا قرآن علل پیروزی ها، شکستها، پیشرفت ها و عقب ماندگی های برخی از امم گذشته را تحلیل می کند و عوامل ظهور و افول تمدن ها را یادآور می شود و این سان ما را در متن زندگی گذشتگان قرار می دهد و از جریانها و حوادثی یاد می کند که منشأ تحول جامعه شده و اثرات متفاوتی برجای گذاشته است. از همین روست که خداوند در قرآن می فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ».

در واقع سیره و سنت رسول خدا در صحنه های سیاسی اجتماعی دنیای اسلام یکی از درسگاه هایی است که قرآن کریم به عنوان سند ماندگار از یاد نموده تا برای مدیریت صحنه امروز جهان اسلام راهگشایی نماید. یکی از این مقاطع و درسگاه های مهم، جریان جنگ احزاب در تاریخ اسلام است که بی شک شباهت های نزدیکی با شرایط کنونی انقلاب اسلامی دارد.

در جنگ احزاب، چنانکه از نامش پیداست، نبردی بود که در آن تمام قبائل و گروه های مختلف دشمنان اسلام برای کوبیدن «اسلام جوان» متحد شده بودند و امروز استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل غاصب و نیز گروه های تکفیری، داعش، آل سعود، و تمام هم پیمانانش از هر طیف و گروهی درصدد ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران هستند.

امام خامنه ای در این باره می فرماید: «اگر بخواهیم جبهه ای امروز دشمن علیه جمهوری اسلامی را در صدر اسلام مشابه سازی بکنیم، می شود جنگ احزاب. امروز... همه ی دنیا پرستان و قدرت طلبان و جنایت کاران و اهل زور و ظلم و طغیان در سرتاسر عالم، در رده های مختلف اقتدار، در مقابل جمهوری اسلامی صف کشیده اند».

در شرایط فعلی جمهوری اسلامی که همه جهانخواران و مستکبرین چشم بر جمهوری اسلامی دوخته اند و امروزه با فشار های اقتصادی درصدد از پا انداختن کشور ایران هستند، کسانی که سست ایمان و شاید دارای گرایش های درونی به دشمن هستند، اظهار یأس و ناامیدی و خودکم بینی می کنند اما افراد دارای ایمان مستحکم، هر قدر هم شرایط سخت تر شود، با عزم و اراده ی قوی تر ایستادگی می کنند.

لذا در راستای این تحلیل منطقی و مدبرانه امام خامنه ای بر آن شدیم تا فرازهای برجسته و درس های مربوط به این صحنه از تاریخ را در مطابقت ایران اسلامی با شرایط آن زمان جامعه اسلامی، مبتنی بر رهنمودهای مقام معظم رهبری، جهت بهره برداری مسئولان و هادیان سیاسی تبیین نماییم.

مدیریت تحلیل و هدایت سیاسی

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین



درسهایی از جنگ احزاب

«مقایسه تطبیقی جنگ احزاب با شرایط امروز انقلاب اسلامی»

مقدمه

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ضمن اشاره به جنگ احزاب، و اینکه ما در شرایط جنگ احزاب هستیم، فرمود:

«در مقام مقایسه، اگر بخواهیم جبهه‌ی امروز دشمن علیه جمهوری اسلامی را در صدر اسلام مشابه‌سازی بکنیم، می‌شود **جنگ احزاب**. امروز خب مشاهده می‌کنید دیگر؛ همه‌ی دنیاپرستان و قدرت‌طلبان و جنایت‌کاران و اهل زور و ظلم و طغیان در سرتاسر عالم، در رده‌های مختلف اقتدار، در مقابل جمهوری اسلامی صف کشیده‌اند و حمله هم کرده‌اند و دارند از همه‌ی جوانب حمله هم می‌کنند؛ عین همین قضیه در جنگ احزاب اتفاق افتاد.» (۱۳۹۵/۰۴/۱۲)

مقام معظم له درباره شکل‌گیری یک جبهه عمومی علیه ایران، در دیدار با دانشمندان هسته‌ای نیز فرمود:

«امروز دنیای زر و زور و استکبار و همه‌ی زورگوها، همه‌ی خبیثها، همه‌ی کسانی که دستشان تا مرفق در خون ملت‌هاست، همه‌ی آنهایی که به ملت‌هاشان دروغ می‌گویند، همه‌ی آنهایی که برای جیب خودشان حاضرند جیب ملت‌ها را خالی کنند، همه‌ی اینها در مقابل جمهوری اسلامی صف کشیده‌اند و یک جبهه تشکیل داده‌اند. برای اینکه چه کار کنند؟ برای اینکه این ملت را در هم بشکنند؛ برای اینکه ملت ایران را از این راه و از این حرکتی که آغاز کرده و به بیداری عمومی دنیای اسلام منتهی شده- و این تازه اول کار است و ان‌شاءالله آینده‌های روشن‌تری در پیش است- باز بدارند. اگر آمریکا و غرب و صهیونیسم و سرمایه‌داران و مفتخوران یهودی وابسته‌ی به سازمان صهیونیسم بتوانند ملت ایران را قانع کنند، به زانو در بیاورند، به عقب‌نشینی وادار کنند، می‌توانند به دنیا بگویند: ببینید، اینها را که ملت پیشرو بودند، ما سر جای خودشان نشاندیم. هدف این است. همه‌ی تلاش‌ها برای این است. یک روز این را نمی‌گفتند، کتمان می‌کردند؛ امروز صریحاً و علناً می‌گویند. می‌گویند ما می‌خواهیم تحریم کنیم- تحریم نفت، تحریم بانک مرکزی، تحریم چه، تحریم چه، تحریم چه- به وسیله‌ی شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه صادر کنیم، پشت سرش قطعنامه‌ی دیگر، پشت سرش قطعنامه‌ی دیگر. که چه اتفاقی بیفتد؟ برای اینکه ملت ایران خسته بشود. عجیب است؛ هرچه گذشته، ملت ایران شادابتر،

زنده‌تر، با استقامت‌تر و مصمم‌تر شده است.» (۱۳۹۰ / ۱۲ / ۰۳)

اینکه چرا مقام معظم رهبری شرایط امروز ایران را همانند شرایط جامعه اسلامی در جنگ احزاب می‌داند، نیازمند تحلیل و بررسی جنگ احزاب و تطبیق شرایط امروز ایران اسلامی با آن موقعیت و جنگ است؛ که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در این نوشتار ابتدا به طور مختصر غزوه احزاب بیان شده، سپس فرازهای برجسته و درس‌های مربوط به این جنگ و شرایط آن زمان ارائه می‌شود. در پایان نیز **مطابقت ایران اسلامی با شرایط آن زمان جامعه اسلامی**، مبتنی بر رهنمودهای مقام معظم رهبری، تبیین خواهد شد.

پیش از شروع لازم به ذکر است که امام خامنه‌ای «مدظله العالی» کسب اطلاع از جنگ‌های پیامبر (ص) بویژه جنگ احزاب را برای ملت و خواص جامعه لازم دانسته، می‌فرماید:

«من می‌خواهم به شما عرض بکنم که مردم ما از زندگی و جنگ‌های پیامبر تقریباً چیزی نمی‌دانند؛ همین‌طور جسته و گریخته چیزی شنیده‌اند؛ مثلاً اگر یک منبری داشته در باره‌ی موضوعی صحبت می‌کرده، بعد به مناسبت، چیزی از جنگ خندق نقل کرده، مردم فهمیده‌اند که جنگ خندقی هم بوده است؛ اما این جنگ خندق چه بود، چه موقع بود، با چه کسانی بود، شروعش به چه علت بود، حضرت تا کجا آن را ادامه دادند، چه کسی کشت و چه کسی کشته شد و سرانجام چه شد، واقعاً مردم نمی‌دانند! یا مثلاً جنگ حنین که در قرآن از آن نام برده شده «و یوم حنین اذ أعجبکم کثرتکم» (توبه: ۲۵) چه جنگی بوده است، مردم از ابعاد گوناگون آن اطلاع چندانی ندارند؛ حتی از جنگ احد که به خاطر حساسیت آن خیلی تکرار شده است، هنوز شناخت کامل و درستی ندارند! مردم باید بدانند که پیامبر چند جنگ داشته است؛ در چند مورد از این جنگها خود پیامبر حضور داشته است؛ در چند مورد حضور نداشته است؛ با چه گروهها و چه عناوینی جنگیده است؛ شعارشان در جنگ چه بوده است. این وقایع را دنبال کنید.»^۱

سیری اجمالی در غزوه احزاب

غزوه احزاب که به خندق نیز مشهور است در شوال سال پنجم هجری و در شمال و غرب مدینه روی داد.^۲ یهودیان بنی‌نضیر که به سبب پیمان شکنی از شهر مدینه رانده شده و در ناحیه خیبر پناه گرفته بودند، در صدد انتقام از پیامبر (ص) و مسلمانان برآمدند. تعدادی از بزرگان این قبیله مانند، سلّام بن ابی الحقیق، حیّ بن أخطب، کنانه بن ربیع و هُوْذَه بن قیس با هدف ترغیب و تحریک قریش مشرک به جنگ با پیامبر (ص) راهی

۱. بیانات در دیدار با اعضای «گروه ویژه» و «گروه معارف اسلامی» صدای جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۰ / ۱۲ / ۱۳).

۲. عبدالملک بن هشام حمیری، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفه،

مکه شدند.^۱ پس از گفتگوی اولیه و اعلام همراهی سران قریش با یهودیان بنی نظیر، دو طرف در کنار کعبه پیمان بستند تا آخرین نفر بر علیه پیامبر (ص) بجنگند. بنی نظیر بعد از کسب موافقت قریش، بنی اسد و بنی غطفان را نیز با خود همراه کردند. یهودیان به بنی غطفان وعده دادند در ازای شرکت در این جنگ خرمای یک سال خیبر را به آنان بدهند.^۲

بدین ترتیب سه گروه در این جنگ بر ضد مدینه شرکت جستند: نخست، قریش به رهبری ابوسفیان بن حرب که در پی بالابردن وجهه خود بودند. این گروه استعدادی بالغ بر ۴۷۰۰ نفر نیرو، بیش از ۳۰۰ رأس اسب و ۱۵۰۰ نفر شتر داشتند.^۳ گروه دوم را بنی غطفان به رهبری عیینه بن حصن فزاری تشکیل می دادند که شامل ۱۸۰۰ نفر نیرو و ۳۰۰ اسب می شد. بنی اسد و بنی نظیر نیز گروه سوم را تشکیل می دادند که بیشتر تقویت فکری و روانی این نیروی نظامی بزرگ را برعهده داشتند.^۴

پیامبر با اطلاع از این لشکرکشی یاران خود را فراخوانده و آنان را نیز مطلع ساخت و ضمن فراخواندن آنان به اطاعت از خدا و پیامبرش این نکته را یادآوری کرد که در صورت پرهیزکاری و صبوری پیروز خواهند شد. سپس درباره نحوه مدیریت وضعیت پیش آمده و چگونه برگزار نمودن رویارویی با جبهه شرک به مشورت با اصحاب خود پرداخته و نظر هر یک را جویا شد. در میان نظرات مختلف افراد حاضر در جلسه نظر سلمان فارسی مبنی بر حفر خندق و جلوگیری از ورود دشمن به شهر از این طریق، پذیرفته شد.^۵

پیامبر (ص) برای تعیین مناطق نفوذپذیر به همراه شماری از یاران خود به بررسی اطراف مدینه پرداختند و در نهایت تصمیم گرفتند خندق را در شمال و غرب شهر یعنی از ناحیه مذاذ به ذباب و راتج حفر کنند.^۶ حفر خندق با همراهی مهاجرین و انصار و حضور خود پیامبر و نیز طی یک تقسیم کار مدبرانه از سوی رسول اکرم ظرف ۶ روز به پایان رسید.^۷ طول خندق بیش از ۵ کیلومتر و عرض آن به اندازه ای بود که سوار نتواند از آن عبور کند. پیامبر در حین حفر خندق با دیدن تلاش و مجاهدت صادقانه اصحاب خود، با امید آفرینی و انگیزه بخشی وعده فتح یمن، شام، مشرق و ایران را به آنان داد.^۸

۱. محمد بن عمر الواقدی المغازی، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۴۴۱.
۲. محمد بن جریر الطبری، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۵۶۵-۵۶۶.
۳. سیدعلی میرشریفی، پیام آور رحمت، تهران، سمت، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰.
۴. علیمحمد ولوی، «مدیریت در بحران؛ پژوهشی موردی در مدیریت پیامبر اکرم (ص) در غزوه احزاب»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال اول، شماره ۳، ص ۸-۹.
۵. محمد بن عبدالله بن یحیی بن سید الناس، عیون الاثر، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۸۴.
۶. محمد بن عمر الواقدی المغازی، همان، ج ۲، ص ۴۴۰.
۷. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۴۱۸؛ محمد بن عبدالله بن یحیی بن سید الناس، همان، ج ۲، ص ۸۶.
۸. عزالدین ابوالحسن علی بن محمد بن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۱۷۹.

رسول خدا(ص) روز سه شنبه، هشتم ذی قعدة سپاه خود را که بالغ بر سه هزار نفر بود در برابر خندق مستقر کرد و خود در دامنه کوه سلع مستقر شد. قریش و متحدانش نیز در وادی العقیق مستقر شدند.^۱ در این میان حیی بن أخطب به پیشنهاد ابوسفیان نزد کعب بن اسد، رئیس بنی قریظه رفته و با تلاش فراوان موفق شد این قبیله یهودی که هنوز ساکن مدینه بودند و با پیامبر پیمان داشتند که علیه او و مسلمانان هیچ دسیسه‌ای نکنند را با احزاب همراه کند.^۲

حفر خندق توسط مسلمانان سبب شد تا درگیری و رویارویی بین دو لشکر صورت نپذیرد. البته برخی از افراد دشمن با عبور از خندق به جنگ تن به تن با مسلمانان پرداختند. رویارویی امام علی (ع) و عمرو بن عبدود مشهورترین جنگ تن به تن در این غزوه به شمار می‌آید که سرانجامش غلبه دلاورانه امام علی و کشته شدن عمرو بود.^۳

پیامبر با اطلاع از همراهی بنی قریظه با دشمن، نعیم بن مسعود تازه مسلمان و زیرک را به میان دشمنان فرستاد. نعیم با رفتن نزد بنی قریظه این مسأله را به آنان گوشزد کرد که قریش و غطفان در صورت عدم پیروزی به موطن خود باز می‌گردند و آنان در برابر سپاه اسلام تنها مانده و جایی ندارند بروند. از همین رو باید از آن دو قبیله تقاضای گروگان بکنند. او سپس نزد قریش رفت و از پشیمانی بنی قریظه و تصمیم‌شان برای تقاضای گروگان سخن گفت. تدبیر نعیم بن مسعود فضایی از بی‌اعتمادی را در میان بنی قریظه و دیگر احزاب بوجود آورد و همراهی عملی بنی قریظه با آنان را منتفی ساخت.^۴

در روایات از دعا نصرت خواهی و طلب یاری از خداوند توسط پیامبر (ص) یاد شده است. ایشان در نیایش خود فرمود: «خدایا تو نازل کننده کتابی و سریع حسابرسی می‌کنی، احزاب را نابود و متزلزل فرما». ^۵ مجاهدت صادقانه یاران پیامبر (ص) و تضرع رسول خدا به درگاه حق سبب رسیدن امدادهای الهی بصورت باد و توفان و لشکریان مخفی خدا گردید. طوفان سختی وزیدن گرفته و اردو و خیمه و خرگاه دشمن را به هم ریخت. قرآن درباره امداد الهی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» (احزاب / آیه ۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آرید، آن گاه که لشکریایی به سوی شما [در] آمدند، پس بر سر آنان تندبادی و لشکریایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم، و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست».

^۱ تقی الدین أحمد بن علی المقریزی، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمسی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۲۲۴.

^۲ أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۲۹.

^۳ احمد بن أبی یعقوب یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا، ج ۲، ص ۵۰.

^۴ تقی الدین أحمد بن علی المقریزی، همان، ج ۱، ص ۲۴۰.

^۵ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۷.

سرانجام غزوه احزاب پس از حدود یک ماه محاصره مدینه به پایان رسید. حفر خندق و ممانعت از ورود دشمن به مدینه، تدبیر نعیم بن مسعود و انصراف بنی نضیر، کشته شدن عمرو بن عبدود قهرمان نامی مشرکان، نزول فرشتگان و جنود مخفی حق و در گرفتن طوفان و در نتیجه آن به هم ریختن اردوگاه دشمن، اتمام آذوقه و علوفه آنان از یک طرف، و مهم‌تر از آن اطاعت مسلمانان از خداوند و پیامبر (ص)، پرهیزکاری و تقوا و صبر و شکیبایی از طرف دیگر مدینه را به باتلاقی برای دشمن تبدیل کرد و یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های مسلمانان رقم خورد. در نتیجه ابتکار عمل برای همیشه از دست دشمنان اسلام بیرون آمده و به دست پیامبر (ص) و مسلمانان افتاد. موقعیت فرماندهی ابوسفیان در نظر قریش متزلزل شد و حشمت و سیادت این قبیله در دیده دیگر قبیله‌ها درهم شکست.^۱

رسول خدا بعد از اتمام کار مشرکان و فرار آنان بسوی مکه، به سراغ یهودیان خیانت کار بنی قریظه رفت و با محاصره قلعه های آنان، مردان توطئه گرشان را به قتل رساند و قلعه های آنان را به تصرف خود درآورد.

نکات جنگ احزاب و تطبیق آن با شرایط امروز انقلاب اسلامی

۱. پیوند شوم همه دشمنان برای نابودی اسلام

در جنگ احزاب، چنانکه از نامش پیداست، همه گروه های مخالف اسلام و پیامبر - مرکب از مشرکان قریش، دیگر قبایل عرب مانند غطفان، بنی سُلیم و بنی اسد و حتی یهودیان - عزم خود را برای نابودی اسلام جزم کرده و همگی با همه امکاناتشان به میدان آمده بودند. آنان که دریافته بودند هر یک به تنهایی توان از بین بردن مسلمانان را ندارند، با همدیگر علیه اسلام متحد شدند تا کار اسلام و پیامبر را یک سره کنند و بساط اسلام را برچینند.

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«آنها هم امیدوار بودند که بتوانند این مولود جدید - یعنی نظام اسلامی - را که از آن احساس خطر می‌کردند، ریشه کن کنند. جنگ احد و جنگ‌های متعدّد دیگری که اتفاق افتاد، در همین زمینه بود. آخرین جنگی که آنها سراغ پیغمبر آمدند، جنگ خندق - یکی از آن جنگهای بسیار مهم - بود. همه‌ی نیرویشان را جمع کردند و از دیگران هم کمک گرفتند و گفتند می‌رویم پیغمبر و دوستانش را، سبیل نفر، پانصد نفر از یاران نزدیک او را قتل عام می‌کنیم؛ مدینه را هم غارت می‌کنیم و آسوده برمی‌گردیم؛ دیگر هیچ اثری از این‌ها نخواهد ماند. قبل از آنکه این‌ها به مدینه برسند، پیغمبر اکرم از قضایا مطلع شد و آن خندق معروف را کند. یک طرف مدینه قابل نفوذ بود؛ لذا در آنجا خندقی ...

^۱ سید جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹، ص ۸۷. در این روایتی اسلام و کفر، بازرگانان قریش بازار مدینه را برای همیشه از دست دادند. به علاوه، قدرت مدینه راه بازرگانی مکه به سوریه را به خطر انداخت و بازرگانان قریش دیگر نمی‌توانستند آسوده به کار خود مشغول باشند.

گذشتند. ماه رمضان بود. طبق بعضی از روایات، هوا بسیار سرد بود؛ آن سال بارندگی هم نشده بود و مردم درآمدی نداشتند؛ لذا مشکلات فراوانی وجود داشت. ... کفار، مقابل خندق آمدند، اما دیدند نمی‌توانند؛ لذا شکسته و مفتضح و مأیوس و ناکام مجبور شدند برگردند. پیغمبر فرمود تمام شد؛ این آخرین حمله‌ی قریش مکه به ماست. از حالا دیگر نوبت ماست؛ ما به طرف مکه و به سراغ آن‌ها می‌رویم».^۱

• عزم عمومی مخالفان برای نابودی ایران اسلامی

امروز هم همه دشمنان انقلاب اسلامی، همچون احزاب مخالف، با هم متحد شده‌اند تا با نابودی نظام اسلامی، انقلاب اسلامی را از بین ببرند. در واقع شرایط امروز ما همان شرایط جنگ احزاب است. امام خامنه‌ای مدظله العالی در این باره می‌فرماید:

امروز جبهه‌ی عظیمی در مقابل اسلام گسترده شده است؛ چرا نبینیم؟ چرا بعضی این جبهه‌ی عظیم را نمی‌بینند؟ مثل جنگ احزاب است. فرق مختلف ضد اسلامی، ضد معنویت، ضد حقیقت، در مقابل اسلام دست به دست هم دادند؛ موشکافی می‌کنند تا نقطه‌ضعفها را پیدا کنند، از آن نقطه‌ضعفها استفاده کنند؛ نقاط نفوذ را پیدا کنند، از آن نقاط نفوذ به ما ضربه بزنند.^۲

معظم له در مقام مقایسه شرایط امروز با جنگ احزاب می‌فرماید:

«در جنگ احزاب، از همه طرف حمله کردند. در جنگ بدر یک گروه بودند، در جنگ احد یک گروه بودند، در جنگ‌های دیگر قبائل کوچک بودند؛ اما در جنگ احزاب، همه‌ی قبائل مشرک مکه و غیر مکه و ثقیف و غیره آمدند متحد شدند؛ ده هزار نفر نیروی رزمنده فراهم کردند؛ یهودی‌هایی هم که همسایه‌ی پیغمبر بودند و امان‌یافته‌ی پیغمبر بودند، خیانت کردند؛ اینها هم با آنها همکاری کردند. اگر بخواهیم این را با امروز مقایسه کنیم، یعنی آمریکا ...، انگلیس ...، رژیم صهیونیستی ...، فلان رژیم مرتجع نفت خوار نیروهایشان را جمع کردند، یک جنگ احزاب درست کردند؛ جنگ احزابی که دلها را خیلی ترساند. اوائل همین سوره [احزاب] می‌فرماید: «واذ قالت طائفة منهم يا اهل اثرب لا مقام لكم فارجعوا»^۳؛ مردم را می‌ترساندند. الان هم همین جور است. الان هم یک عده‌ای مردم را می‌ترسانند: آقا بترسید. مقابله‌ی با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را در می‌آورند! آن جنگ نظامی‌شان، این تحریم‌شان، این فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی‌شان. در آخر این سوره باز می‌فرماید: «لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض و المرجفون في المدينة لغرينك بهم»^۴. مرجفون همینها هستند. در یک چنین شرایطی، شرح حال مؤمن این است: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»؛ ما تعجب نمی‌کنیم؛ خدا و رسولش

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۳۸۰ / ۰۲ / ۲۸)

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج (۱۳۸۹ / ۰۷ / ۱۷)

۳. احزاب: ۱۳

۴. احزاب: ۶۰

به ما گفته بودند که اگر پابند به توحید باشید، پابند به ایمان به خدا و رسول باشید، دشمن دارید؛ دشمنها سراغتان می‌آیند. بله، گفته بودند، حالا هم راست درآمد؛ دیدیم بله، آمدند. «وَصَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا»؛ ایمانشان بیشتر شد.^۱

۲. یهود ریشه فتنه

یهود چه آنها که در مدینه بودند و چه آنها که در دیگر مناطق، از دشمنان سرسخت و بسیج کننده دیگر دشمنان علیه پیامبر و اسلام بودند.

امام خامنه‌ای مدظله العالی در برشمردن دشمنان اسلام و پیامبر می‌فرماید:

«دشمن سوم [پیامبر و اسلام]، یهودیها بودند؛ یعنی بیگانگان نامطمئنی که علی‌العجله حاضر شدند با پیغمبر در مدینه زندگی کنند؛ اما دست از مودی‌گری و اخلاص‌گری و تخریب بر نمی‌داشتند. اگر نگاه کنید، بخش مهمی از سوره‌ی بقره و بعضی از سوره‌های دیگر قرآن مربوط به برخورد و مبارزه‌ی فرهنگی پیغمبر با یهود است. چون گفتیم این‌ها فرهنگی بودند؛ آگاهی‌هایی داشتند؛ روی ذهنهای مردم ضعیف الایمان اثر زیاد می‌گذاشتند؛ توطئه می‌کردند؛ مردم را ناامید می‌کردند و به جان هم می‌انداختند. این‌ها دشمن سازمان‌یافته‌ای بودند».^۲

ریشه تهاجم مشرکان به مدینه در جنگ احزاب هم یهودیان بودند. تعدادی از سران یهود بنی‌نضیر راهی مکه شده و مشرکان را برای حمله به مدینه ترغیب کردند و با قول هرگونه همکاری و مساعدت به آنان، زمینه های جنگ احزاب را فراهم کردند. یهودیان به قدری خبیث بودند که شرک و بت پرستی مشرکان را برتر از توحید و خداپرستی مسلمانان دانسته و با اینکه خود به ظاهر خداپرست و دارای دین آسمانی بودند، لیکن آئین شرک را بر آئین توحید و خداپرستی برتری دادند؛ به نقل از منابع و تفاسیر، وقتی یهودیان نزد قریش آمدند، سران قریش به آنان گفتند، آیا دین ما بهتر است یا دین محمد، و یهود با آنکه موحد بودند و می‌دانستند دین محمد دین توحید است، برای رسیدن به مقاصد شوم خود بت پرستی و شرک را بر دین توحیدی برتر دانستند!^۳ از همین رو خداوند در قرآن می‌فرماید:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا * أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (نساء: ۵۲-۵۱)

آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای که به جبت و طاغوت ایمان دارند و در باره کسانی که کفر ورزیده اند می‌گویند اینان از کسانی که ایمان آورده اند هدایت یافت ترند. اینانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یاورى نخواهی یافت.

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی (۱۹/۰۷/۱۳۹۱)

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۲۸/۰۲/۱۳۸۰)

۳. تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج ۲۰، ص ۳۲.

عهدشکنی یهودیان بنی قریظه

پیمان شکنی عادت یهود بوده و هست، علاوه بر دو گروه بنی نضیر و بنی قینقاع که پیمان شکنی کردند و مورد تنبیه پیامبر (ص) قرار گرفتند، بنی قریظه هم عهدی که با پیامبر بسته بودند را شکسته و قصد خیانت به پیامبر در جنگ احزاب را داشتند. این قبیله، در حساس ترین شرایط، تحت تأثیر یهودیان بنی نضیر، پیمان خود را شکسته و خیانتی بزرگ به مسلمانان کردند؛ در حالیکه آنان عهد بسته بودند پیامبر را در مواقع حمله به مدینه یاری نمایند، اما اکنون در بدترین شرایط که مدینه از همه جهت توسط ده هزار تن محاصره شده، پیامبر را تنها گذاشته و به دشمنان پیوستند.^۱

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«دسته‌ی سوم بنی قریظه بودند که پیغمبر امان و اجازه‌شان داد تا در مدینه بمانند؛ این‌ها را بیرون نکرد؛ با این‌ها پیمان بست تا در جنگ خندق نگذارند دشمن از طرف محلاتشان وارد مدینه شود؛ اما این‌ها ناجوانمردی کردند و با دشمن پیمان بستند تا در کنار آن‌ها به پیغمبر حمله کنند! یعنی نه فقط به پیمانشان با پیغمبر پایدار نماندند، بلکه در آن حالی که پیغمبر یک قسمت مدینه را - که قابل نفوذ بود - خندق حفر کرده بود و محلات این‌ها در طرف دیگری بود که باید مانع از این می‌شدند که دشمن از آنجا بیاید، این‌ها رفتند با دشمن مذاکره و گفتگو کردند تا دشمن و آن‌ها - مشترکاً - از آنجا وارد مدینه شوند و از پشت به پیغمبر خنجر بزنند! پیغمبر در اثنای توطئه‌ی این‌ها، ماجرا را فهمید. محاصره‌ی مدینه، قریب یک ماه طول کشیده بود؛ در اواسط این یک ماه بود که این‌ها این خیانت را کردند. پیغمبر مطلع شد که این‌ها چنین تصمیمی گرفته‌اند. با یک تدبیر بسیار هوشیارانه، کاری کرد که بین این‌ها و قریش به هم خورد - که ماجرایش را در تاریخ نوشته‌اند - کاری کرد که اطمینان این‌ها و قریش از همدیگر سلب شد. یکی از آن حیل‌های جنگی سیاسی بسیار زیبای پیغمبر همین‌جا بود؛ یعنی این‌ها را علی‌العجاله متوقف کرد تا نتوانند لطمه بزنند. بعد که قریش و همپیمانان‌شان شکست خوردند و از خندق جدا شدند و به طرف مکه رفتند، پیغمبر به مدینه برگشت. همان روزی که برگشت، نماز ظهر را خواند و فرمود نماز عصر را جلو قلعه‌های بنی قریظه می‌خوانیم؛ راه بیفتیم به آنجا برویم؛ یعنی حتی یک شب هم معطل نکرد؛ رفت و آن‌ها را محاصره کرد. بیست و پنج روز بین این‌ها محاصره و درگیری بود؛ بعد پیغمبر همه‌ی مردان جنگی این‌ها را به قتل رساند؛ چون خیانتشان بزرگ‌تر بود و قابل اصلاح نبودند. پیغمبر با این‌ها این‌گونه برخورد کرد؛ یعنی دشمنی یهود را - عمدتاً در قضیه‌ی بنی قریظه، قبلش در قضیه‌ی بنی نضیر، بعدش در قضیه‌ی یهودیان خیبر - این‌گونه با تدبیر و قدرت و پیگیری و همراه با اخلاق و الای انسانی از سر مسلمانها رفع کرد. در هیچ کدام از این قضایا، پیغمبر

۱. تاکتیک‌های جنگی رسول خدا، فیض پور، ص ۱۳۱.

نقض عهد نکرد؛ حتی دشمنان اسلام هم این را قبول دارند که پیغمبر در این قضایا هیچ نقض عهدی نکرد؛ آن‌ها بودند که نقض عهد کردند».^۱

• یهود ریشه فتنه ها و توطئه ها علیه ایران و انقلاب اسلام

الان هم پشت پرده اقدامات دشمنان ایران اسلامی، یهود و رژیم غاصب صهیونیستی است. پس هرگونه امید به مذاکره با یهود، که برخی سران جاهل کشورهای عربی به آن معتقدند، بر اساس تجربه تاریخی در سیره نبوی خطا است.

۳. جایگاه منافقین کوردل و ضعیف الایمان ها در جنگ احزاب

از فرازهای بسیار مهم و درس آموز جنگ احزاب، جریان نفاق و فتنه افکنی آنان و وجود عده‌ای ضعیف الایمان است که تحت تأثیر جریان نفاق قرار داشتند.

امام خامنه‌ای درباره منافقان در جنگ احزاب می فرماید:

«منافق، ضعیف‌الایمان، فی قلوبهم مرض - که طوائف گوناگونی‌اند - وقتی دشمن را می‌بینند، تنش‌ها مثل بید می‌لرزد؛ بنا می‌کنند به مؤمنین بالله و زحمتکشان در راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: آقا چرا اینجوری می‌کنید؟ چرا کوتاه نمی‌آئید؟ چرا سیاستان را اینجوری نمی‌کنید؟ همان کاری که دشمن می‌خواهد، انجام می‌دهند».^۲

خدای متعال چندین آیه سوره احزاب را به این‌ها اختصاص داده و برای روشن کردن وضعیت آنان، پرده از آنان و نفاقشان برداشته است. با توجه به آیات قرآن، برخی خطوط برجسته جریان نفاق را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

بدگمانی به خدا و وعده های الهی

منافقین و کسانی که بیمار دل بودند، آن روز درباره خدا گمانهای غلط و گفتارهای ناروا بر زبان جاری کردند، بعضی از آنها گفتند: کفار به زودی غلبه می‌کنند، و بر مدینه مسلط می‌شوند، بعضی دیگر گفتند: بزودی اسلام از بین می‌رود و اثری از دین نمی‌ماند، بعضی دیگر گفتند: جاهلیت دوباره جان می‌گیرد، بعضی دیگر گفتند: خدا و رسول او مسلمانان را گول زدند، و از این قبیل پندارهای باطل.^۳ خدای تبارک و تعالی به این گمان‌های بد اشاره و می‌فرماید:

وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (احزاب: ۱۰) و به خدا آن گمان‌ها [ی ناروا] را [که خود می‌دانید] می‌بردید.

نسبت فریب به خدا و رسول خدا

از دیگر کارها و سخنان منافقین دادن نسبت دروغ به خدا و رسول او است. وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۲۸/۰۲/۱۳۸۰)

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی (۱۹/۰۷/۱۳۹۱)

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۲۸.

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا. (احزاب: ۱۲) و آن گاه که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری [ضعف ایمان] بود،^۱ می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز به فریب ما را وعده [پیروزی] نداده‌اند.

علامه طباطبایی: «وعده‌ای که منافقین آن را فریبی از خدا و رسول خواندند، به قرینه مقام، وعده فتح و غلبه اسلام بر همه ادیان است، و این وعده در کلام خدای تعالی مکرر آمده، هم چنان که در روایات هم آمده که منافقین گفته بودند محمد (ص) به ما وعده می‌دهد که شهرهای کسری و قیصر را برای ما فتح می‌کند، با اینکه ما جرأت نداریم از خانه خود برای قضاء حاجت برویم؟!»^۲

بهانه جویی منافقان برای فرار و تضعیف روحیه دیگران

یکی دیگر از کارهای منافقین بزرگ نشان دادن دشمن و بی‌فایده دانستن مقابله با او و فرار از جنگ با بهانه‌های واهی و تضعیف روحیه دیگران بود.

وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا، وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنَ النَّبِيِّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (احزاب: ۱۳) و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای اهل یثرب! [میدان نبرد] جای درنگ و ماندن شما نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه [برگشتن] می‌خواستند، و می‌گفتند: خانه‌های ما بدون حفاظ است. در صورتی که بدون حفاظ نبود، و آنان جز فرار را قصد نداشتند!

معنای سخن منافقین این است که دیگر معنا ندارد در این جا اقامت کنید، چون در مقابل لشکرهای مشرکین تاب نمی‌آورید، ناگزیر باید به یثرب برگردید. ... خدای تعالی بعد از حکایت این کلام از منافقین، کلام یک دسته دیگر از آنها را هم حکایت کرده، و بر کلام اول عطف نموده، و فرموده: "وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ"، یعنی یک دسته از منافقین و کسانی که در دل بیماری سستی ایمان دارند، از رسول خدا (ص) اجازه مراجعت می‌خواهند، "يقولون" و در هنگام اجازه خواستن می‌گویند: "إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ"، یعنی خانه‌های ما، در و دیوار درستی ندارد، و ایمن از آمدن دزد و حمله دشمن نیستیم، "وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا"، یعنی دروغ می‌گویند و خانه‌هایشان بدون در و دیوار نیست، و از این حرف جز فرار از جهاد منظوری ندارند.^۴

ضعف دینداری منافقین و آمادگی برگشت از دین ظاهری

کتاب خدا به ضعف دینداری منافقین اشاره و آمادگی برگشت آنان از دین را با کوچکتری احساس خطری گوشزد می‌فرماید:

۱. علامه طباطبایی: منظور از آنهایی که در دل‌هایشان مرض دارند افراد ضعیف الایمان از مؤمنین‌اند، و این دسته غیر منافقین هستند که اظهار اسلام نموده و کفر باطنی خود را پنهان می‌دارند. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۲۸.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۲۹.

۳. کلمه "یثرب" نام قدیمی مدینه طیه است، قبل از ظهور اسلام این شهر را یثرب می‌خواندند، بعد از آنکه رسول خدا (ص) به این شهر هجرت کردند نامش را "مدینه الرسول" نهادند، و سپس کلمه رسول را از آن حذف کرده و به مدینه مشهور گردید. منافقین چون کار پیامبر و اسلام را تمام شده تلقی می‌کردند، دو باره نام یثرب را بجای مدینه آوردند.

۴. ر.ک. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۲۹.

وَلَوْ دُحِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (احزاب: ۱۴) و اگر از پیرامون خانه‌هایشان بر آنان حمله می‌شد و از آنان بازگشت از دین درخواست می‌شد آن را می‌پذیرفتند و برای آن جز مدت کوتاهی درنگ نمی‌کردند!

معنای آیه این است که اگر لشکرهای مشرکین از اطراف، داخل خانه‌های ایشان شوند، آن گاه از ایشان بخواهند که از دین برگردند، حتما پیشنهاد آنان را می‌پذیرند، و جز اندکی از زمان درنگ نمی‌کنند مگر همان قدر که پیشنهاد کفار طول کشیده باشد، و منظور این است که این عده تا آنجا پایداری در دین دارند، که آسایش و منافعشان از بین نرود، و اما اگر با هجوم دشمن منافعشان در خطر بیفتد، و یا پای جنگ پیش بیاید، دیگر پایداری نمی‌کنند، و بدون درنگ از دین برمی‌گردند.^۱

۴. شکست دشمن در عین داشتن فزونی عده و عده

در نبرد احزاب تعداد مسلمانان سه هزار و تعداد سپاه دشمن حدود ده هزار نفر بود. به لحاظ ادوات نظامی نیز تجهیزات دشمن قابل مقایسه با مسلمین نبود. امتیاز عمده سپاه احزاب، برخورداری از سواره نظامی با حداقل ۶۰۰ اسب و ۱۵۰۰ شتر بود که تا آن زمان در منطقه حجاز کم نظیر بود. درحالی که تعداد اسبهای مسلمانان به ۴۰ اسب نمی‌رسید. به طور کلی وضع اقتصادی مسلمانان در احزاب چندان رضایت بخش نبود چراکه تاکنون مدام در حال جنگ و دفاع بودند و فرصت کار اقتصادی نداشتند و از سوی تجار مکه نیز تحریم بودند.^۲ با این حال عواملی چون تقوا (اطاعت از خدا و پیامبر) و صبر و مقاومت و امدادهای الهی مسلمین را پیروز نمود، و عده و عده دشمن نتوانست موجب پیروزی او گردد.

• فزونی تجهیزات نظامی دشمنان انقلاب اسلامی

امروز هم دشمنان ما از نظر تجهیزات و امکانات نظامی از سرمایه بیشتر و پیشرفته تری برخوردارند، لیکن نباید به خود ترس و وحشتی راه داد و الان هم از عده و عده دشمن نباید ترسید، با اعتماد به وعده الهی که

^۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۳۰. خدای تبارک و تعالی در چند آیه بعد بد عهده منافقین اشاره و می‌فرماید: وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَذْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (احزاب: ۱۵) و همانا آنان از پیش با خدا پیمان بسته بودند که [به دشمن] پشت نکنند؛ و پیمان خدا همواره بازخواست شدنی است. علامه طباطبایی می‌گوید: بعید نیست که مراد از عهد آنان از سابق، بیعتی باشد که بر مساله ایمان به خدا و رسولش، و دینی که آن جناب آورده با آن جناب کرده‌اند، و یکی از احکام دینی که آن جناب آورده مساله جهاد و حرمت فرار از جنگ است.

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (احزاب: ۱۶) بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، گریز شما هرگز سودتان نمی‌دهد، و در این صورت [از این زندگی زودگذر فانی] جز اندکی برخوردار نخواهید شد. قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا (احزاب: ۱۷) بگو: اگر خدا برای شما آسیب و گزند یا پیروزی و غنیمتی بخواهد، کیست که شما را در برابر [تقدیرات و قضای] خدا نگه دارد؟ در صورتی که غیر از خدا نه کارسازی برای خود می‌یابند، نه یاری دهنده‌ای.

نصرت ما را در گرو نصرت دین خودش قرار داده است، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)، اگر صادقانه به میدان مجاهدت با دشمن درآییم نصرت حق و امداد غیبی او پشتیبان ما است.

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«یکی از آیات الهی این است که اگر برای خدا کار کنید، خدا به شما کمک خواهد کرد: «و لينصرنَّ الله من ينصره». خدای متعال، حتماً و محققاً کسانی که او را یاری کردند، یاری می‌کند و نصرت می‌دهد.^۱ «و لينصرنَّ الله من ينصره»؛ جمله‌ی عجیبی است «ل» قسم و «ن» تأکید، حتماً خدا کسانی را که او را نصرت کنند، بدون شک نصرت خواهد کرد.^۲ «لينصرنَّ الله من ينصره» دیگر از این تأکید، بالاتر نمی‌شود. اگر نصرت خدا بکنیم، «لينصرنَّ الله»؛ خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای «لينصرنَّ» این است؛ یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت می‌کند. «و من اصدق من الله قيلاً» (نساء: ۱۲۲)؛ از خدا راستگوتر کیست؟^۳

امام خامنه‌ای درباره اینکه نصرت الهی برای مقاومتان در راهش قطعی است می‌فرماید:

«امروز باید ببینیم تکلیف ما برای فردا چیست. خب، انقلاب پیروز شد؛ پیروزی انقلاب برحسب محاسبات متعارف دنیا امر محالی بود. هیچ‌کس باور نمی‌کرد که در کشوری مثل ایران با حساسیتی که قدرتهای استکباری روی آن داشتند - اینجا استراحتگاه صهیونیست‌ها بود، اینجا محل حضور مستشاران آمریکایی بود، اینجا جایی بود که بیگانگان در آن احساس آرامش و آسایش میکردند؛ تقریباً ده روز قبل از نوزدهم دی رئیس‌جمهور آمریکا در تهران در سخنرانی‌ای گفت که ایران جزیره‌ی ثبات است؛ این‌جوری روی این کشور حساب میکردند- در یک چنین جایی، در یک چنین کشوری، با این چنین حکومت سرکوبگر و ظالم که بی‌محابا با مردم روبه‌رو میشد، و با سایه‌ی سنگین آمریکا بر این کشور به حسب محاسبات عادی محال بود که یک انقلاب بر مبنای دین، بر مبنای اعتقاد دینی و ایمان مردم، به دست مردم، با رهبری مرجع تقلید و روحانی شاخص به پیروزی برسد؛ این محال بود. لذا بود که هیچ دستگاه اطلاعاتی در دنیا نتوانست حدس بزند که این اتفاق خواهد افتاد؛ چون اصلاً با محاسبات عادی جور نمی‌آمد. در یک چنین کشوری، یک انقلاب این‌جوری رخ بدهد و این انقلاب هم ناکام نشود -حالا عرض خواهم کرد در مقایسه‌ی با بعضی حوادث دیگر این کشور- انقلاب نظام درست کند، نظام‌سازی کند، جمهوری اسلامی به وجود بیاید و این جمهوری اسلامی همین‌طور بماند و روزه‌روز قوی‌تر، ریشه‌دارتر و ستبرتر بشود. هیچ قاعده‌ی مادی و محاسبه‌ی مادی‌ای چنین چیزی را

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۲۶/۰۶/۱۳۶۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۵/۱۲/۱۳۷۷.

۳. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام دی، ۱۹/۱۰/۱۳۹۱.

قبول نمیکرد؛ ممکن نمیدانست اما شد. اینکه شد، نشان‌دهنده‌ی این است که بر این عالم کُن، بر این عالم وجود، قوانینی حاکم است که اهل ماده آن قوانین را نمی‌شناسند؛ آن قوانین را نمی‌بینند؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْل. در جای دیگر: سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْل. سُنَّتِ خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کُن عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، اینها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل ماده با چشمهای کم‌سو نمیتوانند درک بکنند اما وجود دارد. خب، وقتی که ما زمینه‌ی این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم میکند. آتش سوزندگی دارد، باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرید، آتش خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد. باید زمینه را فراهم کرد؛ ملت ایران این زمینه را فراهم کرد. این حرفها را بزرگان ما گفته‌اند، هم قرآن مکرر فرموده است، هم در کلمات ائمه (علیهم‌السلام)، در کلمات رسول خدا، اینها وجود دارد. فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْر. امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه میفرماید: صادقانه وارد میدان بشوید، ایستادگی بکنید، خدای متعال دشمن شما را سرکوب خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد. این قاعده‌ی کلی و قانون است. این قاعده در انقلاب تحقق پیدا کرد؛ مردم صادقانه وارد میدان شدند و ایستادگی کردند.

خب، همین جا یک نتیجه بگیریم و آن این است که ما یک جبهه‌ی وسیع دشمن در مقابل خودمان داریم. جبهه‌ی وسیع دشمن از سردمداران رژیم صهیونیستی تا سردمداران دولت آمریکا، تا دیگر ایادی و عوامل استکبار جهانی، تا عوامل تکفیری، تا داعش؛ یعنی ببینید چه جبهه‌ی عظیمی است. یک طیف عظیم و نامتجانس؛ اینها همه دشمن نظام جمهوری اسلامی‌اند؛ [پس] یک جبهه‌ای وجود دارد. خیلی کارها هم میتوانند بکنند، حملات تبلیغاتی میکنند، تمام این دستگاه‌های رسانه‌های دنیا در مشت اینها است. علیه جمهوری اسلامی هرچه دلشان میخواهد میپراکنند. کلیدهای اقتصادی دست اینها است، قدرتهای سیاسی دست اینها است، نظامهای امنیتی دست اینها است، سرویس‌های اطلاعاتی مال اینها است؛ اینها در مقابل نظام جمهوری اسلامی هستند. خب، یک عده‌ای وقتی چشمشان به این جبهه می‌افتد، دلشان میریزد. این به‌خاطر این است که از آن کلیدواژه‌ی مهم سُنَّتِ الهی غفلت میکنند. خب، همین دشمنی‌ها و بالاتر از این دشمنی‌ها با خود انقلاب بود؛ انقلاب پیروز شد. امروز هم همان دشمنی‌ها است؛ امروز هم شما اگر چنانچه به لوازش عمل بکنید، شما پیروز خواهید شد؛ بروبرگرد ندارد. فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ؛ این امروز هم صادق است. من و شما وقتی صادقانه وارد میدان بشویم، به لوازش عمل بکنیم، ایستادگی کنیم، بصیرت به خرج بدهیم، به موقع اقدام بکنیم، درست حرف بزنیم، درست عمل بکنیم، صادقانه وارد میدان بشویم، همان حرفی که امیرالمؤمنین فرموده وجود دارد: «أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْر»؛ پیروزی مال ما است، نکبت و سرکوبگری

متعلق به دشمن است. خب، پس تا اینجا مسئله‌ی انقلاب به‌عنوان یک نقطه‌ی اساسی و روشن، یک درس بزرگ برای آینده‌ی ما می‌دهد.^۱

۵. تکیه پیامبر بر توان داخلی برای مقابله با دشمن

وقتی پیامبر از حمله مشرکان مطلع شد، بدون امید به نیروهای خارج از مدینه، فوراً مردم را جمع کرد و با تکیه بر توان داخلی و کسب مشورت از آنها در پی مقابله با دشمن برآمد. او با تکیه به نیروی خودی و لواز دشمن بسیار کمتر بودند؛ لیکن با همین نیروی کمتر ولی دارای روحیه جهادی و تلاشگر به پیروزی رسید.

• لزوم تکیه بر توان داخلی برای مقابله با دشمنان

امروز هم ما باید در مقابل دشمنان به نیروی خود و توان داخلی متکی بوده و امیدی به دیگران نداشته باشیم و امیدی به ترحم دشمن و همراه شدن او با خود نداشته باشیم. امام خامنه‌ای می‌فرماید:

«آمریکایی‌ها با انقلاب اسلامی دشمنند، با جمهوری اسلامی دشمنند، با این پرچمی که شما مردم بلند کردید دشمنند و این دشمنی با این چیزها فرو نخواهد نشست؛ علاج مقابله‌ی با این دشمنی هم فقط یک چیز است و آن، تکیه‌ی به اقتدار ملی و به توان داخلی ملی و مستحکم کردن هرچه بیشتر ساخت درونی کشور [است]. هرچه در این زمینه ما کار بکنیم، کم است».^۲

معظم له باور به استعداد درونی را سبب مهم مقابله و پیروزی بر دشمنان دانسته می‌فرماید:

«وقتی که یک ملت تصمیم می‌گیرد بایستد، وقتی که به حمایت الهی و به قدرت درونی خود و استعداد درونی خود باور داشت و باور کرد، چیزی نمیتواند جلوی او را بگیرد».^۳

۶. آمادگی دفاعی و تقویت ابزارهای دفاعی جدید به ویژه حفر خندق

در جنگ احزاب، پیامبر در مقابل دشمن، بحث آمادگی دفاعی را طرح و اجرا کرد. او می‌دانست اکنون که دشمن پشت مرزهای اسلامی است، ابزار گفتگو و مذاکره نتیجه‌ای نخواهد داشت. اعراب با دژ و حصار آشنا بودند ولی با خندق و شیوه عبور از آن آشنا نبودند؛ از این رو، احزاب که نزدیک شهر رسیدند با طرح جدید خندق روبه‌رو شدند و از حمله و هجوم باز ماندند.

• لزوم آمادگی دفاعی و ضرورت سرمایه گذاری در این بخش

همانگونه که رسول مکرم اسلام با آمادگی دفاعی و استفاده از شیوه جدید در برخورد با دشمن او را زمینگیر

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

۲. بیانات در دیدار مردم آذربایجان به مناسبت قیام بیست و نهم بهمن مردم تبریز، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸.

۳. بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای، ۱۳۹۰/۱۲/۳.

و شکست داد، ضرور است ما هم در این جنگ احزابی که دشمنان علیه ما به راه انداخته اند با آمادگی دفاعی کامل به مقابله با آنان برویم.

مقام معظم فرماندهی کل قوا پیرامون لزوم افزایش قدرت نظامی و آمادگی دفاعی فرمودند:

«طرف مقابل [آمریکائی ها] با وقاحت تمام ما را تهدید نظامی میکند؛ با وقاحت، مرتب تهدید نظامی میکند؛ ... خب این لاف را میزنند، این غلط زیادی را میکنند، آن وقت میگویند جمهوری اسلامی قدرت دفاع را از خود سلب کند؛ این حرفی که آنها میزنند ابلهانه نیست؟ حتی اگر ما را این جور صریحاً هم تهدید نمیکردند، لازم بود به حکم «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ»، ما به فکر باشیم؛ حتی اگر تهدید هم نمیکردند باید ما این مراقبت را میکردیم، این آمادگی ها را افزایش میدادیم؛ حالا که صریحاً هم دارند تهدید میکنند. از آن طرف تهدید میکند، از آن طرف میگوید شما نباید موشک بسازید، نباید چنین کنید؛ نباید چنان کنید، مدام دستورات بدون پشتوانه و ابلهانه در فضای تبلیغاتی یا در قرارهای بین المللی صادر میکنند. نخیر، جمهوری اسلامی اولاً ثابت کرده است و نشان داده است که در دفاع از خود کاملاً مقتدرانه و در نهایت اقتدار عمل میکند؛ همه ی ملت مثل یک مشت مستحکم گرد هم می آیند و در مقابل متجاوز، در مقابل متعرض، در مقابل مهاجم غیر منطقی می ایستند؛ در دفاع، ملت ما یکپارچگی کامل دارد و هیچ چیز دیگری تأثیر نمیگذارد؛ این یک. و جمهوری اسلامی خود را آماده نگه میدارد و آمادگی خود را حفظ میکند؛ این هم نکته ی دوم».^۱

۷. مدیریت و رهبری بی نظیر و قاطع پیامبر و اطاعت پیروان

یکی از عوامل اساسی پیروزی مسلمین در جنگ احزاب، مدیریت و رهبری بی نظیر و قاطع پیامبر صلی الله علیه و آله در این جنگ است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این نبرد خود حضوری جدی و تعیین کننده داشت و با تقویت روحیه و امید آفرینی در افراد و وعده پیروزی های بزرگ و بزرگ تر افراد را سرشار از انگیزه و روحیه رزمندگی می نمود. بعضی از تجلیات رهبری بی بدیل و بی نظیر پیامبر به قرار زیر است.

حضور فعال و نظارت دقیق:

خود پیامبر شخصا در حادثه حضور داشت و در حفر خندق همچون دیگران؛ بلکه بیشتر از همه مشارکت می نمود، و بر تمام کارها نظارت دقیق داشت.^۲

مقام معظم رهبری می فرماید:

«سخت تر از همه، پیغمبر کار کرد. در کندن خندق، هر جا دید کسی خسته شده و گیر کرده و نمی تواند پیش برود، پیغمبر می رفت کلنگ را از او می گرفت و بنا می کرد به کار کردن؛ یعنی فقط با

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۱/۳۰.

۲. شیوه فرماندهی پیامبر، محمود شیت خطاب، ص ۲۱۲؛ مدیریت در بحران، علیمحمد ولوی، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۳.

دستور حضور نداشت؛ با تن خود در وسط جمعیت حضور داشت».^۱

تقویت روحیه امید در مسلمانان:

گفته‌های پیامبر (ص) نیز در این جنگ که، در ظاهر، کمترین نشانه پیروزی در آن دیده نمی‌شد، از همه جنگ‌های پیش، قاطع‌تر و اطمینان‌بخش‌تر بود. به هنگام حفر خندق، مسلمانان به سنگی خوردند، که نمی‌توانستند از جای برکنند. ولذا خدمت پیامبر رسیدند. حضرت وارد خندق شد وضو گرفت و و کلنگ بدست گرفته و بر آن سنگ زد که برقی از آن ظاهر شد که تمام مدینه را روشن نمود مثل اینکه چراغ پر نوری در شب تاریکی افروخته‌اند، پس پیامبر تکبیر فتح گفت مسلمانها نیز الله اکبر گفتند، سپس دو مرتبه زد باز برقی ظاهر شد آن گاه ضربت سوم را زدند که برق دیگری برخاست. حضرت این برق‌ها را نشانه فتح یمن، شام و شرق عربستان در آینده دانسته و حضرت فتح این سرزمین‌ها را به مسلمانان بشارت داد و این سبب قوت روحیه مسلمین شد.^۲

امید بخشی و روحیه دادن پیامبر از جهتی مقابله با جریان نقاق و ضعیف الایمان‌های میان لشکر اسلام نیز بود. منافقان با تمسخر دفاع مسلمانان از شکست قریب الاتفاق مسلمین توسط لشکر قوی دشمن حرف می‌زدند. وقتی پیامبر وعده فتح و پیروزی اسلام را می‌داد، منافقان گفتند: محمد وعده فتح شهرهای کسری و قیصر را به می‌دهد، در حالی که ما جرات نداریم تنهایی برای قضاء حاجت بیرون برویم.^۳ خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: **وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا** (احزاب: ۱۲) آن گاه که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری [ضعف ایمان] بود، می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز از روی فریب، ما را وعده

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۸/۲/۱۳۸۰.

۲. تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج ۲۰، ص ۳۴. عمرو بن عوف گوید من و سلمان و حذیفه بن الیمان و نعمان مقرر و شش نفر از انصار چهل زراع را بریده و کندیم تا رسیدیم به خاک رس خداوند از ته خندق سنگ سفید گردی را بیرون آورد و بیل و کلنگ ما شکست و بر ما سخت شد، پس سلمان گفتیم از خندق بالا برو و پیامبر (ص) را از این سنگ خبر بده که یا ما از سنگ بگذریم که گذشتن از سنگ نزدیک است و یا اینکه ما را برای و نظر مبارکش در باره سنگ فرمان دهد چون ما دوست نداریم از خط نقشه آن حضرت تجاوز کنیم، پس سلمان از خندق بالا آمده و خدمت پیامبر (ص) رسید در حالی که برایش قبه‌ای زده بودند، پس عرض کرد یا رسول الله سنگ سفیدی گردی از ته خندق بیرون آمده و آهن آلات ما را شکسته و کار بر ما دشوار شده زیرا چیزی در آن اثر نمیکند نه زیاد و نه کم، پس نظر مبارک را در باره آن بفرما، پس آن حضرت با سلمان وارد خندق شده و کلنگ بدست گرفته و بر آن سنگ زد که برقی از آن ظاهر شد که تمام مدینه را روشن نمود مثل اینکه چراغ پر نوری در شب تاریکی افروخته‌اند، پس پیامبر تکبیر فتح گفت مسلمانها نیز الله اکبر گفتند، سپس دو مرتبه زد باز برقی ظاهر شد آن گاه ضربت سوم را زدند که برق دیگری برخاست. پس سلمان گوید: گفتم پدر و مادرم بفدایت یا رسول الله این برق‌هایی که می‌بینیم چیست فرمود: برق اوّل نشانه فتح یمن است که خداوند نصیب ما خواهد نمود و اما دوّم نشانه فتح شام و مغرب است و اما برق سوّم علامت فتح مشرق (و عجم) است، پس مسلمانان خوشحال شدند و گفتند الحمد لله موعده صادق، سپاس و شکر مخصوص خداوندیست که وعده دهنده صادق است.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص: ۴۲۹.

[پیروزی] نداده‌اند.

فتنه افکنی منافقان بویژه زمانی که شهر از سوی بنی قریظه تهدید شده بود شدت بیشتری گرفت و بدین طریق روحیه مسلمانان را تضعیف می کردند.^۱

امام خامنه‌ای می فرماید:

«وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، ثقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آنجا مردم دو دسته شدند؛ مؤمنین یک طور، غیر مؤمنین و کسانی که «فی قلوبهم مرض» بود، یک طور دیگر. آن‌هایی که در دلشان مرض بود می گفتند: «ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا»؛ ما فریب خوردیم؛ اسلام نتوانست به ما عزت و امنیت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مؤمنین را محاصره کرده بودند. این حزبها و گروههای دشمن، شرقی‌اش، غربی‌اش، همسایه‌اش، دوردستش، همه دست به دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند؛ اما مؤمنین [برخلاف منافقین و بیمار دلان]، می گفتند: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»؛ ما تعجب نمی کنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند».

• دمیدن روح امید و امیدواری در مردم ایران

مقام معظم رهبری دائماً روح امید و امیدواری و عدم شکست را دائماً در مردم می دمد و آنان را به آینده‌ای روشن تر از امروز امیدوار می کنند. ایشان می فرمایند:

«یکی از بزرگترین نعم الهی، امید و اعتماد به نفسی است که در مردم هست. روح امیدواری، خیلی نعمت بزرگی است. مردم مأیوس، ناامید و بدون افق دید، بی صبری میکنند؛ نه اینکه کار نمیکند، مانع کار هم میشوند؛ ولی مردم امیدوار خودشان جلو جلو میدوند و مسئولان را به دنبال خودشان میکشانند. این اتفاق امروز در کشور افتاده است و روح امید بر مردم حاکم است؛ مردم به آینده امیدوارند. این، خیلی نعمت بزرگی است. باید این نعمت را قدر بدانیم و شکر کنیم».^۲

«کسی که مشغول مجاهدت است حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده یا اصلاً مجاهدت نبوده است».

(۱۳۷۹/۹/۱۲)

توجه به امور معنوی:

یکی از تدابیر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جهت پیش برد هر چه سریع‌تر حفر خندق، توجه دادن مسلمانان

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۲۸ و ۴۳۹.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی - ۱۳۸۵/۰۳/۲۹.

به اصول اعتقادی و مخصوصاً آخرت بود. منابع تاریخی از دو جمله معروف پیامبر به هنگام حفر خندق گفته اند که نشانه دعوت مردم به جهت گیری اخروی در کارها است: اللهم إِنَّ الْخَيْرَ الْآخِرَ * لَا عِيشَ إِلَّا عِيشُ الْآخِرَةِ. برای آن که مسلمانان هدف اصلی را گم نکنند و بدانند که زحماتشان در چه جهت و برای چیست، با این روش بر اصول تأکید می کرد.

مورد دیگر از امور معنوی در جنگ دعاها و تضرع شخص پیامبر به محضر خداست.

امام خامنه‌ای در این باره می فرماید:

پیامبر بزرگوار ما ... برای همه‌ی مؤمنین و برای همه‌ی مسلمانان اسوه است در هنگامه‌های سخت، ملاحظه نمی کرد که تضرع او پیش خدا و کمک خواستن او از خدا ممکن است در ذهن مخاطبان و شاهدان و ناظران، این تأثیر را بگذارد که او به خودی خود ناتوان است. به صراحت می گفت من به خودی خود ناتوانم و بدون کمک خدا از من کاری بر نمی آید. در جنگ احزاب، در حالی که همه‌ی دشمنان از اطراف، مدینه و پیامبر و گروه مؤمنین را محاصره کرده بودند، با این نیت که اسلام و قرآن و پیام جدید را به کلی از بیخ و بن بکنند، پیامبر اکرم در کنار آرایش نظامی، در کنار تدابیر بسیار هوشمندانه‌ای که در آنجا به کار برد، در کنار تحریض مردم بر مقاومت، در مقابل چشم مردم بر زمین زانو گذارد! بارها این کار تکرار شد که در کتابهای سیره هست. پیامبر دستش را بلند می کرد، تضرع می کرد، اشک می ریخت و می گفت: پروردگارا! به ما کمک کن و نصرت را به ما برسان و به ما توفیق بده. بدون کمک الهی نمی توانیم کاری انجام دهیم؛ و کمک و رحمت الهی جز با توجه و توسل به او، جز با شستشوی دل، جز با خالص کردن نیت، جز با کنار گذاشتن هدفهای حقیر و کوچک شخصی میسر نخواهد بود؛ و این انقلاب، با این روحیه و با این حالت پیروز شد؛^۱

استفاده از بسیج مردمی، مشارکت همگانی و روحیه جهادی برای حفر خندق و دفاع در برابر دشمن: جنگ احزاب همزمان با فصول سرد سال بود و کمبود مواد غذایی محسوس بود، ولی مسلمانان در یک بسیج مردمی و همدلانه و با روحیه جهادی ایستادند و در کمتر از هفت روز، با کمترین امکانات کیلومتر ۵ خندق حفر کردند آن هم در عرض ۶ متری و عمق ۳ متری؛ چنانکه زنان و کودکان نیز در این نبرد به تدارکات و تأمین آذوقه رزمندگان مشغول بودند.^۲

هوشیاری و آماده باش کامل سپاه اسلام:

رسول خدا و مسلمانان در تمام مدتی که دشمن به سوی مدینه آمد و شهر را به محاصره گرفته بود با هوشیاری کامل و دیده بانی دقیق دشمن را زیر نظر داشتند وقتی دشمن با خندق روبرو شد، حیرت زده در پی عبور از مناطق کم عرض خندق بود. ولی در طول نبرد نگهبانان شب و روز مواظب شهر و خندق بودند و بر

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره‌ی ششم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹/۰۳/۲۹)

۲. تاکتیک های جنگی رسول خدا، فیض پور، ص ۱۳۱؛ مدیریت در بحران، علیمحمد ولوی، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۳.

کوچکترین اقدام دشمن نظارت داشتند.

• هوشیاری نیروهای نظامی در این شرایط حساس

ایجاد تفرقه در سپاه دشمن:

یکی دیگر از عوامل پیروزی مسلمانان ایجاد فاصله و تفرقه در سپاه دشمن بود. پیامبر با گسیل نعیم بن مسعود تازه مسلمان به داخل سپاه مشرکان و ایجاد بدبینی و تفرقه میان مشرکان و یهود بنی قریظه اتحاد و به هم پیوستگی آنان را به هم ریخت. نعیم هم با ابوسفیان و هم با بنی قریظه ارتباط خوبی داشت و مورد اعتماد طرفین بود و از اسلامش هم کسی خبر نداشت؛ از این رو، هر دو طرف سخنان نعیم را بر علیه همدیگر پذیرفتند؛ همین امر اعتماد آنها را نسبت به هم سلب کرد و مانع از اتحاد آنان بر علیه مسلمانان شد (تفسیر روح الجنان، ابوالفتوح رازی، ج ۱۵، ص ۳۶۵-۳۶۷).

۸. استقامت بی نظیر پیامبر و مسلمانان و نتیجه بخش بودن آن

صلابت و ایستادگی پیامبر و استقامت مسلمین در کوتاه مدت باعث خسته شدن دشمن از محاصره ۲۵ روزه و اتمام آذوقه و در نهایت بازگشت نومیدانه آنان شد. در بلندمدت نیز استقامت مسلمین باعث شد پس از جنگ احزاب دیگر مشرکان جرأت نمایند به مدینه حمله کنند. و بر عکس این مسلمانان بودند که مشرکان را تحت فشار قرار داده و در کمتر از سه سال در سال هشتم هجری مکه را فتح نمایند.

• نتیجه بخش بودن استقامت در برابر دشمن

آنچه مایه پیروزی ما هم بر دشمن می شود صرف عده و غده و فراوانی تجهیزات جنگی نیست؛ بلکه استقامت و ایستادگی تا آخر است. مقام معظم رهبری می فرماید:

«شما میدانید از اول پیروزی جمهوری اسلامی ایران تا امروز چقدر توطئه، چقدر خنجرهای پنهانی زهرآلود علیه این ملت، علیه این نظام به کار گرفته شده است؟ یک قلم توطئه علیه ما، یک جنگ هشت ساله بود. هشت سال علیه ما جنگ را تحمیل کردند. یک قلم توطئه بر ضد جمهوری اسلامی، تحریم سی ساله است. امروز سر و صدا و جنجال تحریم را بلند میکنند. تحریم مال امروز نیست؛ جمهوری اسلامی سی سال است که تحریم اقتصادی است. صبر این ملت، ایستادگی این ملت، بر همه‌ی این خباثتها، عداوتها و کارشکنی‌ها فائق آمد. امروز به توفیق الهی، بإذن الله تعالی، جمهوری اسلامی در قله‌ی اقتدار سیاسی و امنیتی خود قرار دارد»^۱.

معظم له در باره تحقق وعده نصرت الهی مردم ایران به سبب ایستادگی و مقاومت فرمود:

«در سراسر کشور، شعارها شعارهای ایستادگی است؛ یعنی مردم با راهپیمایی بیست و دوم بهمن، این حقیقت را نشان میدهند که خدای متعال به وعده‌ی خود عمل کرده است که فرمود: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ**

يَنْصُرُكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ (۱) خدای متعال قدمهای شما را ثابت میدارد؛ گامهای شما را استوار میدارد؛ نمیگذارد شما مجبور به عقب‌نشینی بشوید. این وعده‌ی الهی است؛ این وعده‌ی الهی در مورد ملت ایران تحقق پیدا کرده است؛ دین خدا را نصرت کردید، خدای متعال ثبات قدم به شما داد.^۱

ایشان رسیدن فرج الهی در صورت ایستادگی را با توجه به تجربه ایستادگی اخیر مردم غزه مورد توجه قرار داده و فرمودند:

«مسئله‌ی اخیر فلسطین، خیلی مسئله‌ی مهمی است. بین غزه و بین دولت صهیونیست که مدعی است قوی‌ترین ارتش را در منطقه دارد، هشت روز جنگ اتفاق می‌افتد؛ آنگاه وقتی میخواهند آتش‌بس ایجاد کنند، آن طرفی که برای آتش‌بس شرط میگذارد، فلسطینی‌ها! این باورکردنی است؟ ده سال پیش اگر به شما این حرف را میزدند، چه کسی باور میکرد که یک روزی بین فلسطینی‌ها - نه همه‌ی فلسطینی‌ها؛ یک گوشه‌ای از فلسطینی‌ها، غزه - و بین رژیم صهیونیستی جنگی اتفاق بیفتد، برای آتش‌بس آن جنگ، فلسطینی‌ها شرط بگذارند؟ آفرین بر فلسطینی‌ها! آفرین! آفرین بر حماس و جهاد و گردانهای مبارزی که در فلسطین، در غزه جنگیدند و شجاعت نشان دادند! شجاعت این است. من به سهم خودم از همه‌ی مبارزین فلسطین تشکر میکنم؛ به خاطر فداکاری‌ای که کردند، به خاطر تلاشی که کردند، به خاطر صبری که کردند، و دیدند که «انّ مع العسر یسری». اگر چنانچه ما صبر کردیم، این صبر موجب میشود که خدای متعال فرج را برساند. صبر کردند، ایستادگی کردند، خدای متعال فرج را رساند؛ این درس است؛ برای خود آنها هم درس است، برای دیگران هم درس است».^۲

۹. ضربه تعیین کننده امام علی (ع) در فروریختن اقتدار جبهه کفر و شرک

در غزوه احزاب عَمَرِ بْنِ عَبْدِوَد، یکی از نام‌آورترین پهلوانان عرب، از خندق گذشت و مبارز طلبید. در لحظه‌ای که وحشت عجیبی وجود مسلمانان را فراگرفته و کسی از مسلمانان جرأت مقابله با این پهلوان نام‌آور را نداشت، امیرالمومنین علی(ع)، شجاعانه به میدان آمد و نماد برجسته قدرت دشمن را به خاک افکند. به هنگام تقابل علی علیه السلام و عمرو، پیامبر صلی الله علیه و آله □ فرمود: «تمامی اسلام در مقابل تمامی شرک قرار گرفته است». بر همین اساس، وقتی علی(ع) با ضربه‌ای عمرو را از پای درآورد، پیامبر فرمود: ضربه علی یوم الخندق أفضل من أعمال أمتی إلى يوم القيامة.^۳

ضربت کاری علی(ع) در روز خندق از عبادت انس و جن تا روز قیامت برتر است؛ زیرا اسلام را از خطر حتمی نجات داد.

۱. بیانات در دیدار مردم آذربایجان - ۱۳۹۲/۱۱/۲۸.

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱.

۳. ینابیع المودة، ص ۹۵، و ۱۳۷.

• ضربات اساسی بر دشمن در سوریه و عراق

ضربه کاری که امروز مجاهدان و شاگردان مکتب علوی و حیدری چون سردار قاسم سلیمانی و خیل مدافعان حرم اهل بیت بر پیکر داعش می زنند انشاءالله تعیین کننده سرنوشت نهایی وضعیت کشورهای اسلامی و منطقه خواهد بود.

۱۰. نقش امدادهای غیبی

از عوامل مهم شکست دشمن در جنگ احزاب، امدادهای غیبی و به میدان آمدن جنود مخفی الهی است. خدای تبارک و تعالی می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (احزاب: آیه ۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آن گاه که لشکریایی به سراغ شما آمدند،^۱ ولی ما طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی دیدید؛ و خداوند همیشه به آنچه انجام می دهید بینا بوده است.

بنا به تصریح قرآن، بادهای تند و سرد که امدادهای غیبی (و مأمور) خدا بودند آنچنان سپاه دشمن را به هم ریخت که رعب و وحشت در دل سپاه ده هزار نفری انداخت و روحیه احزاب را تضعیف کرد، و آنان از محاصره دست کشیده و ذبوانه به مکه بازگشتند.

• در حال حاضر نیز ما باید به امدادهای غیبی ایمان داشته و امیدوار باشیم.

امام خامنه‌ای در اینکه خدا وعده امداد و نصرت داده است و ما باید به وعده الهی ایمان و اعتماد داشته باشیم می فرماید:

«عزیزان من! این گونه است که وعده‌ی الهی تحقق پیدا می‌کند؛ متنها بعد از مدت زمانی. وعده‌ی الهی این است که ملت‌های مسلمان را عزیز کند. این یک‌شبه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست. وعده‌ی الهی این بود که هر ملتی در راه خدا مبارزه کند و ایمان داشته باشد، پیروز شود. بسیار خوب؛ شما ملت ایران ایمان داشتید، مبارزه کردید، پیروز شدید. وعده‌ی الهی این است که شما بعد از این پیروزی، با دشمنان خدا درگیر خواهید شد و اگر پافشاری و صبر و ایستادگی کنید، باز هم پیروز خواهید شد؛ یعنی هم وعده‌ی پیروزی هست، هم وعده‌ی درگیری هست. آری؛ وقتی که قدرت الهی، قدرت اسلام، قدرت قرآن، قدرت معنویت، در یکجا عَلم برمی‌افرازد، کسانی که مخالف معنویتند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل ظلمند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل فسادند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که به هر جهتی معنویت و دین را بر نمی‌تابند، دشمنی می‌کنند.» (و لما رأى المؤمنون

^۱ به گفته ابوالفتح رازی آن روز فرشتگان فرود آمدند (تفسیر روح الجنان، ۱۵ / ۳۶۸).

الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله^۱. وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، ثقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آنجا مردم دو دسته شدند؛ مؤمنین یک طور، غیر مؤمنین و کسانی که «فی قلوبهم مرض»^۲ بود، یک طور دیگر. آنهایی که در دلشان مرض بود می گفتند: «ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا»^۳؛ ما فریب خوردیم؛ اسلام نتوانست به ما عزت و امنیت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مؤمنین را محاصره کرده بودند. این حزبا و گروههای دشمن، شرقی اش، غربی اش، همسایه اش، دوردستش، همه دست به دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند؛ اما مؤمنین می گفتند: «هذا ما وعدنا الله ورسوله»؛ ما تعجب نمی کنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند. وعدهی خدا و پیامبر این است که «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله و الَّذِينَ كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت»^۴. شما که مؤمنید، در راه خدا مبارزه می کنید. آنهایی که با خدا میانه ای ندارند، در راه طاغوت مبارزه می کنند. آری؛ آن ها هم مبارزه می کنند؛ ولی «فقاتلوا اولياء الشيطان ان كيد الشيطان كان ضعيفا»^۵. اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقبگرد کردید، نه. پس، حضور دشمن و حملهی دشمن، مایهی تعجب نیست؛ «هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله و ما زادهم الا ايماناً و تسليماً»^۶. بنابراین، وعدهی الهی مسلم است؛^۷

۱۱. پیروزی سرنوشت ساز

پیروزی در غزوه احزاب نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار آمد و کفه موازنه قوا را در میان اسلام و کفر برای همیشه به نفع مسلمانان بر هم زد، به طوری که دشمنان قسم خورده اسلام، دیگر قدرت جنگیدن با سپاه اسلام را نداشتند. بر همین اساس بود که پیامبر اسلام (ص) بعد از پایان جنگ فرمود: «اکنون ما با آن ها می جنگیم، اما آن ها قدرت جنگیدن با ما را ندارند». یعنی سپاه اسلام از دوره دفاع به تهاجم انتقال یافت.^۸

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (احزاب: ۲۵)

و خداوند آنان را که کفر ورزیده اند بی آنکه به مالی رسیده باشند به غیظ [و حسرت] برگرداند و خدا

۱. احزاب: ۲۲

۲. احزاب: ۱۲

۳. احزاب: ۱۲

۴. نساء: ۷۶

۵. نساء: ۷۶

۶. احزاب: ۲۲

۷. خطبه های نماز جمعه ی تهران (۱۳۷۷/۱۰/۰۴)

۸. شیوه فرماندهی پیامبر، محمود شیت خطاب، ص ۲۱۲.

[زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت و خدا همواره نیرومند شکست ناپذیر است.

پس از احزاب اتحاد دشمنان فرو پاشید؛ مشرکان قریش دیگر نتوانست خود را سازماندهی کنند قدرت نظامی آنان رو به افول نهاد؛ هیبت و شوکت آنها در جزیره العرب فرو ریخت و حامیان خود را از دست دادند.

• سرنوشت ساز بودن مقاومت و پیروزی در این مرحله و به دست گرفتن ابتکار عمل

درس بزرگ جنگ احزاب این است که با مقاومت و پیروزی می توان در موضع تهاجمی قرار گرفته و ابتکار عمل را از دست دشمن بیرون آورد و او را در موضع انفعال قرار داد.

امام خامنه‌ای می فرماید:

«همیشه ابتکار عمل دست مهاجم است؛ به همین خاطر، او شیوه‌ی برخورد را انتخاب می کند. ...

هنگامی که دشمن حمله می کند، ابتکار عمل در دست اوست».^۱

ایشان در باره ناامید کردن دشمن و بازدارندگی او با قوی شدن هر چه بیشتر می فرماید:

«مبارزه و کارشکنی و موزی‌گری علیه نظام اسلامی را همیشه آنها علیه ما شروع کرده‌اند؛ ما دفاع کرده‌ایم؛ منتها دفاع جانانه. دفاعی کرده‌ایم که طرف مقابل فهمیده است ما اقتدار دفاع از خود را داریم و بحمد الله موفق هم شده‌ایم. دنیای استکبار با وجود چنین نظامی مخالف است. این مخالفت‌ها و موزی‌گری‌ها ادامه هم خواهد داشت؛ ولی تنها راه علاج عبارت است از قوی شدن با ایمان، قوی شدن با علم، قوی شدن با فناوری، قوی شدن با ارتباطات اجتماعی، پیوندهای ملی و همبستگی حقیقی آحاد ملت با یکدیگر. وقتی در شما احساس قدرت کردند، حملات هم کاهش خواهد یافت؛ موزی‌گری‌ها هم به طور طبیعی کم خواهد شد؛ همچنان که شد».^۲

۱. بیانات در مراسم بیعت مسئولان دستگاه‌های اطلاعاتی کشور، ۱۳۶۸/۴/۱۸.

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان، سال ۱۳۸۴.